

«... دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سال چهارم • شماره ۴ و ۵ • شماره مسلسل ۱۵۹۴ و ۱۵۹۵ • نیمه دوم اردیبهشت ماه و نیمه اول خرداد ماه ۱۳۹۸ • قیمت: ۵۰۰ تومان

وضعیت کنونی اخوان المسلمین پس از کودتای خون بار در مصر

گفت‌وگو با سید هادی خسروشاهی:



مرشد اخوان المسلمین که همراه هزاران عضو دیگر اخوان بعد از کودتا بازداشت شدند

اخوان المسلمین سازمانی است که عمدتاً با کارهای اجتماعی تعریف می‌شد اما در جریان بهار عربی، اخوان المسلمین مصر جنبه سیاسی به خود گرفت و از طریق انتخابات به قدرت رسید. این نحله از اخوان حق شهروندی، صندوق رأی و دموکراسی را پذیرفت به همین لت خطر جدی برای عربستان، امارات و اسرائیل شد. مقامات عربستان هم با کودتای ۱۴ میلیارد دلاری دولت محمد مرسى را سرنگون کردند. این نحله از اخوان معتقدند عدالت سرلوحه فقه است و تحول در فقه را با رساله‌ای به نام «فقه المقاصد» انتشار دادند. اخوان در امارات دشمن جدی تلقی می‌شود و قریب به پانزده سال است که هر عضو این گروه به زندان‌هایی از صفر تا ده سال محکوم می‌شوند. اخیراً آمریکا اخوان المسلمین را در لیست تروریست قرار داد که با واکنش جدی ترکیه و قطر مواجه شد.

گفت و گو مجله چشم‌انداز ایران با استاد سید هادی خسروشاهی که اطلاعات وسیعی در مورد اخوان در خاور میانه دارد، تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

*** موضع‌گیری اخوان المسلمین منطقه را درباره حوادث تلخ و درناک حاکم بر بعضی از بلاد عربی، چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
متأسفانه اخوان المسلمین بلاد عربی و اسلامی از جمله ایران و «جمعیت دعوت و اصلاح». در مورد حوادث اسفناک سوریه، عراق، یمن و کردهای سوریه و غیره، هیچگونه واکنش و موضع‌گیری لازم نداشتند و یا ما از آن مطلع نشده‌ایم.

در مورد یمن که متأسفانه جمعیت اصطلاحاً اخوان یمن عملاً در کنار هم پیمانان بنی سعودی و اماراتی قرار دارند و در مناطق نفوذ خود با نیروهای انصارا... به قول آن‌ها حوثی‌ها! می‌جنگند.

در عراق گویا دیگر اخوان المسلمینی وجود ندارند مگر نه حداقل می‌بایست در مسئله سلطه داعش بر موصل و قتل عام مردم مسلمان و تجاوز به زنان ایزدی و غیره، عکس‌العملی از خود نشان می‌دادند؟ اخوان المسلمین سوریه که در آغاز خواستار همکاری مسالمت‌آمیز با دولت بود، پس از پاسخ منفی دولت که البته اشتباه بزرگ حاکمیت سوریه بود. خود طلیعه‌دار جنگ و نبرد به اصطلاح مسلحانه با «علوی‌ها» می‌مرتد!! شدند و بقیه گروه‌ها را هم به دنبال خود آوردند و نتیجه آن شد که حدود هشت سال تمام سوریه را به ویرانه‌ای بدل کردند و متأسفانه نیروهایی را که می‌بایست در نبرد با اسرائیل و آزادی جولان و قدس به میدان می‌آمدند، به معنی واقعی کلمه «تلف» کردند.

ادامه در صفحه ۴

الحشد الشعبی؛ از میدان نبرد تا خدمات‌رسانی به مردم



غسل تعمید
قاتلان
کودکان
یمنی



اثری از حجت الاسلام
والمسلمین بروجردی
تفسیر
شمس از
قرآن کریم

استاد اخلاق در دوره کساد اخلاق

و مقداری از اصول کافی را نزد مرحوم آقا شیخ مجتبی قزوینی خواندیم. بعد برای ادامه تحصیل راهی قم شدم. دو سال هم در قم بودم، به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر می‌شدم. بعد هم به نجف مشرف شدم. دو سالی هم آنجا ماندم و



بیست و هفتم اردیبهشت ماه سالروز درگذشت مرحوم حجت الاسلام و المسلمین استاد سید مهدی طباطبایی است. وی متولد ۱۳۱۵ در شهر رفسنجان است اما از کودکی ساکن مشهد بود. پدر ایشان آقا سید محمدحسین و نیز برادران ایشان اهل علم

و فضل و روحانیت بودند و ایشان نیز از طریق آنان به سلک روحانیت درآمد. وی درباره سیر زندگی خود می‌گوید: «بنده در رفسنجان متولد شدم. به خاطر وضعیتی که برای مرحوم پدرم پیش آمد، ناگزیر به مشهد مقدس هجرت کرد و از آن زمان مقیم مشهد شدیم. فشارها و اختناق حکومت رضاخان همه مومنان، بویژه روحانیان، را سخت می‌آزد. این وضعیت، موجب شد عده‌ای لباس روحانیت را کنار بگذارند و به کارهای دولتی روی آورند. آنها حتی حاضر نبودند چپه هایشان به دروس حوزوی بپردازند. پدر ما، با آنکه روحانی بود و سختیهای فراوان دیده بود، همچنان به لباس روحانیت پای بند ماند، بر خلاف توصیه‌های بستگان که می‌خواستند ما به دروس جدید بپردازیم، ایشان مصر بودند که باید وارد حوزه شویم درس طلبگی بخوانیم. لذا با اینکه پس از شهریور ۱۳۲۰ و تبعید رضاخان امکان رفتن ما به مدارس دولتی وجود داشت، به خاطر علاقه‌ای که پدرم به روحانیت و این لباس داشت، توفیق راه یافتن به حوزه علمیه را یافتیم. ابتدا در همان مکتب خانه‌ها نصاب الصبیان و جامع المقدمات و معراج السعاده را خواندیم. بعد وارد مدرسه شدیم. مدارس ابدال خان، دو در، نواب، مدرسی بود که توفیق حضور در آنها را داشتیم. خوشبختانه آن زمان در حوزه مشهد استادان خوبی، بویژه در ادبیات، بودند؛ مانند ادیب نیشابوری، که ادبیات را خدمت ایشان خواندم. منطق را نزد مرحوم استاد آقا شیخ محمد عیدگامی، فقه را خدمت میرزا محمد مدرس یزدی، رسایل، کفایه و مکاسب را خدمت آقا شیخ محمد کاظم دامغانی و آقا شیخ هاشم قزوینی فرا گرفتیم، توحید صدوق

و واسطه گرفتاریها و ناراحتی‌هایی که پیش آمد، نتوانستم بمانم. ناگزیر به مشهد برگشتم و به درس مرحوم آیت‌الله... میلانی حاضر شدم».

مبارزات سیاسی

شروع مبارزات سیدمهدی طباطبایی، همراهی با شهید نواب صفوی بود که برای آن زندانی نیز شد. علت دستگیری وی همکاری با مجموعه فدائیان اسلام و شخص شهید نواب صفوی بود. ایشان در این باره می‌گویند: «در سال ۱۳۳۴ به واسطه حضور در کارهای شهید نواب صفوی در زندان قزل قلعه بودم». و منشأ آن علاقه به شخص شهید نواب صفوی بود که وی می‌گوید «ما مرحوم نواب را فداکار می‌دانیم. بنده از شجاعتش خوشم می‌آمد و با او در مشهد آشنا شدم. من عاشق مرحوم نواب بودم و واقعاً باور نمی‌کردم که یک آخوند تا این اندازه جگر داشته باشد. من مرید او بودم و شب اعدامش برایش گریه کردم و برای همین گریه کردن‌ها کتک می‌خوردم».

پس از شهادت نواب صفوی، مشخصه بارز طباطبایی ارادت و همراهی با امام خمینی است. آشنایی سیدمهدی با امام خمینی به سالها پیش از نهضت امام خمینی بر می‌گردد. ایشان درباره آشنایی خود با امام خمینی می‌گویند: «امام خمینی هفت سال پس از پسرعمه‌های من منزل مقابل خانه آنها را خریدند. ما از هفت سالگی در آن خانه بودیم. آقای هاشمی رفسنجانی هم داماد خانواده مرعی بود و در همان خانه بود. اولین روزی که آقای خمینی اثاث آورد... این اولین آشنایی من با امام خمینی در سال ۱۳۲۸ بود».

ادامه در صفحه ۸

تفسیر شمس از قرآن کریم

نظرو براین نکته تاکید دارند که قرآن با هیچ کلام بشری قابل مقایسه نیست؛ پس ما عرصه قرآن و تفسیر را نباید عرصه تسویه حساب های مذهبی و کلامی قرار دهیم؛ بلکه باید اجازه دهیم قرآن محور مشترک و وحدت بخش بماند. بنابراین در این تفسیر تلاش کرده ام کاملاً از مجادلات کلامی و مجادلاتی که می تواند به تفرق بیشتر جامعه اسلامی منجر شود بپرهیزم. نکته دیگر اینکه، بخشی از مطالبی که در قالب تفسیر در طول تاریخ شکل گرفته است مستند روایی قوی و محکمی ندارد، یعنی پاره ای از روایات وارد فضای تفسیر شده است، اما سنجش هایی که درباره این روایات انجام شده است اعتبار زیادی برای آن ها قائل نیست. تلاش کرده ام در تفسیرم از آوردن روایاتی که مربوط به اسرائیلیات یا روایات ضعیف است دوری کنم و این اثر تفسیری روایی محسوب نمی شود.

مسئله دیگر اینکه تفسیر قرآن کریم دامنه وسیعی دارد و بسیاری از مفسران تلاش کرده اند این دامنه را وسیع تر از تفسیر قرار دهند یعنی بخشی از تفاسیر قرآن دایره المعارف بوده و فراتر از تفسیر رفته است، درحالی که تلاش کرده ام خودم را محدود به فضای آیه کنم و نمی خواستم مایه های فقهی، فلسفی و ادبی خودم را به رخ خواننده بکشم و سعی کرده ام اگر کسی می خواهد آیه ای یک خطی را بفهمد، در یک صفحه یا یک صفحه و نیم و یا کمتر یا بیشتر توضیح داده شود و اگر احیاناً مطالبی مربوط به سایر علوم است، آن را به جاهای دیگر ارجاع دهم. برخی مفسران بزرگ هستند که زحمت زیادی را در تفسیر متحمل شده اند، اما گاهی اوقات پراختراهای زیادی حتی ۱۰ صفحه ای، ۲۰ صفحه ای و گاهی ۱۰۰ صفحه ای در دل مطلب آورده و بحثی را مطرح کرده اند که هر چند جالب و جذاب است، اما پیوند آن با آیه و تفسیر دقیق نیست و استطرادی در آنجا قرار گرفته است (استطرد: ذکر کلامی به مناسبت مقام، بدون اقتضای ضرورت). درباره نیاز به تفاسیر مختلف از قرآن کریم، دیدگاه ها مختلف است، مستحضر هستید که در طول تاریخ هم ترجمه و هم تفسیر قرآن با چالش های بسیار جدی مواجه بوده و در چندین قرن حتی بحث ترجمه قرآن مورد تایید فقها نبوده و حتی شاید رساله ها و نوشته هایی مبنی بر تحریم ترجمه قرآن داشته باشیم که در طول تاریخ به جا مانده است.

در مورد تفسیر هم با توجه به بحث «تفسیر به رای»، همیشه گرایش های مختلفی بوده است. برخی معتقد بوده اند اصلاً نباید وارد تفسیر قرآن شد و کار ما انسان ها فقط این است که قرآن را بخوانیم و ثواب ببریم؛ درحالی که در مقابل برخی معتقد بودند که باید قرآن را فهمید و قرآن کتابی است برای فهمیده شدن و تا فهمیده نشود نمی تواند دستورالعمل زندگی انسانی قرار بگیرد؛

ادامه در صفحه بعد

نباید قرآن را به ابزار تفرق تبدیل کنند. همه مسلمانان با تمام گرایش های کلامی، فقهی و... براین که متن موجود قرآن کریم، معتبر و اصیل است، اتفاق نظر دارند. بنابراین حفاظت از این اصالت ایجاب می کند اختلافات مذهبی و فقهی در تفسیر قرآن نمود نیافته و در محدوده دانش های تخصصی همچون کلام و فقه و... پی گرفته شود. در هر حال، در این تفسیر، با توجه به نیاز مخاطب، از این نزاع ها اجتناب شده و تلاش کرده ام از رسالت اصلی که توضیح محتوای آیات و درک پیام های قرآنی است، دور نشوم.»

حجت الاسلام بروجردی در گفتگویی جداگانه، پیرامون مخاطبان اصلی اثر می گوید: «من از همان ابتدا فکر کردم برای چه کسی باید بنویسم و با توجه به اینکه تفاسیر تخصصی زیادی داریم، من هر چقدر تخصصی تر می نوشتم، دامنه مخاطبان خود را محدود می کردم. اگر بتوانیم تفسیری برای نسل جوان علاقه مند به قرآن کریم ارائه دهیم که بین آنان و قرآن پیوندی ایجاد کنیم، شاید این مفیدترین کار باشد. بنابراین از همان ابتدا تفسیر خودم را برای مخاطبانی نه تنها ایرانی و جهان اسلامی، بلکه برای مخاطبی بسیار گسترده تر نوشتم و سعی کردم هر کس علاقه مند به معارف و آیات قرآن است بتواند از آن بهره برد و این کار مستلزم این بود که آسان بنویسم؛ اما این آسان نگاری و ساده نویسی ساده انگاری نبوده و بسیار سعی کردم نکات فنی آیات را به زبانی که برای مخاطب قابل فهم باشد بیان کنم، یعنی از دقت کار تا آنجایی که در توانم بود کم نکردم، اما سعی کردم خواننده را درگیر اصطلاحات تخصصی نکنم و کمک کنم او رابطه نزدیکتری با قرآن برقرار کند. اولاً سعی کردم خودم تفسیر را بفهمم و ثانیاً تلاش کردم به دیگری که علاقه مند به قرآن هستند مفاهیم را منتقل کنم.

علاوه بر ساده نویسی، نکات و ملاحظات دیگری هم داشته ام. همان طور که می دانید، مسلمانان در مذاهب فقهی اختلافاتی با هم دارند و در طول تاریخ در مذاهب کلامی دیدگاه ها و مکتب های کلامی مختلفی شکل گرفته و اینها زمینه گفت و گوی بین فرهنگی و بین متدینان را فراهم کرده و گاهی اوقات رنگ برخورد هایی که بین فقها، متکلمان و دیگر نحله های (مکاتب) علمی بوده، پررنگ تر و خشن تر شده و به جاهای مختلفی از جمله نوشته ها و آثار مکتوب سرایت کرده است. فکر کردم اگر نگاه کنیم که قرآن یکی از پایه های اساسی پیوند ما مسلمانان علی رغم اختلافات فقهی، کلامی و مذهبی است، پس نباید اجازه دهیم تفسیر قرآن کریم عرصه درگیری باشد، بلکه باید بگذاریم قرآن کانون و محور وحدت مسلمانان باقی بماند.

همه مسلمانان بر این مسئله که قرآن متنی قدسی و کلامی الهی است اتفاق

به ویژه نسل جوان علاقه مند به قرآن و فاقد اطلاعات تخصصی بتوانند با قرآن انس بگیرند و از مضامین و معارف آن بهره ببرند. این قلم، مخاطب این تفسیر را گسترده گرفته و به محدوده جغرافیایی خاصی نیندیشیده است و علی رغم این که زبان نویسنده فارسی بوده و این تفسیر نیز به فارسی نگاشته شده است، کوشیده است از هر چه فهم آن برای مخاطب غیرفارسی زبان دشوار و دیرپاب است، اجتناب کند. از این رو، به رغم علاقه شخصی به ادبیات غنی و پربار فارسی، به ویژه شعر و نیز ضرب المثل ها، تا آن جا که امکان پذیر بوده، آن را در این تفسیر نیاورده است؛ زیرا برآن است شعر، هرگز قابل ترجمه نیست و بنابراین مخاطب غیرایرانی نمی تواند بهره ای از آن ببرد. همچنین از کاربرد اصطلاحات تخصصی دانش های مختلف اسلامی، همچون فقه، کلام، فلسفه، عرفان و حتی ادبیات عرب پرهیز کرده است تا خواننده کم آشنا با این اصطلاحات دچار سردرگمی نشود.

خوش خوانی - تا آن جا که در توان داشته ام، کوشیده ام متنی گویا و رسا، خوش خوان و زودپاب، عرضه کنم. از این رو بارها و بارها این متن را ویرایش و پیرایش کرده ام تا گره های احتمالی آن کمتر شود. هم چنین بخش هایی از آن را به برخی علاقه مندان نشان می دادم تا در صورتی که آن را سخت و دشوار می بینند متن را تغییر دهم. این که تا چه حد در این تلاش موفق بوده ام، به قضاوت شما خواننده ارجمند بستگی دارد.

پرهیز از بحث های فراقرآنی - برخی مفسران، به بهانه تفسیر آیات، مجموعه ای از موضوعات و مطالب را آورده اند که هر چند مفید و قابل تامل است، ربط چندانی به آیه مورد بحث ندارد. از این رو، بسیاری از تفاسیر، دایره المعارفی از موضوعات فراقرآنی اند. اما این جانب برآنم «تفسیر» باید در محدوده توضیح آیات باقی بماند و قرار نیست جای دانش های دیگر را بگیرد. بحث های فلسفی، کلامی، فقهی، عرفانی، تاریخی و ادبی را باید در کتاب های مربوط، پی گرفت و نیازی به درج آن ها ذیل تفسیر آیات نیست.

بنابراین تا آن جا که ممکن بوده از ورود به ساحت سایر دانش ها که هر یک مبانی، مقدمات و مسائل جداگانه ای دارند، اجتناب کرده ام. خواننده علاقه مند، خود می تواند درباره هریک از این موضوعات به تحقیق بپردازد.

دوری از نزاع های علمی - مفسران تفاسیر تخصصی، نقد آرای رقیب فکری یا مذهبی خود را و وجه همت خویش ساخته و تفسیر را به محلی برای نزاع های علمی و غیرعلمی تبدیل کرده اند. من از این که تفسیر قرآن را به کانون تسویه حساب های مذهبی و دامن زدن به تفرقه و طایفه گری تبدیل کنم، سخت ابا داشته ام؛ زیرا برآنم در دورانی که هر نگرش دینی می تواند زمینه ساز تفرقه ای جدید شود، مسلمانان

«تفسیر شمس»، عنوان تفسیری تازه و معارفی از قرآن کریم است که به زبان فارسی در ده مجلد و هر مجلد بالغ بر ۶۰۰ صفحه و مجموعاً در ۶۱۰۳ صفحه توسط حجت الاسلام دکتر مصطفی بروجردی تالیف و به زیور طبع آراسته شده است. نگارش اولیه این تفسیر از اول مرداد ۱۳۸۶ آغاز و در ۲۸ اسفندماه ۱۳۹۵ برابر با بیستم جمادی الثانی ۱۴۳۸ هجری قمری مصادف با شب میلاد حضرت زهرا (س) به پایان رسید. پس از آن ویرایش اثر آغاز شد که بیش از یک سال طول کشید و پس از تصحیح و بازنگری های لازم، سرانجام در بیستم آذرماه ۱۳۹۷ این تفسیر به همت موسسه انتشاراتی «بوستان کتاب» به زیور طبع آراسته شد.

حجت الاسلام دکتر بروجردی مؤلف «تفسیر شمس» در بخشی از مقدمه این اثر گرانسنگ که در صفحات ابتدایی جلد اول با عنوان ویژگی های تفسیر شمس آمده، نوشته است:

«از آن جا که این تفسیر، «شرح معارف سور» است، «شمس» نامیده شد که خود اقتباسی است از قرآن کریم، امید آن است که این، شمس نیز ضیاء و سراجی برای علاقه مندان به معارف قرآنی باشد. مخاطبان همگانی - تردیدی نیست که اندیشوران و مفسران در طول تاریخ اسلام از ۱۴۰۰ سال قبل تا امروز، صدها تفسیر کامل و هزاران تفسیر نیمه کامل با رویکردهای متفاوت نگاشته اند و هریک در جای خود قابل بهره برداری است، اما مخاطبان تفاسیر متفاوت اند: برخی تفاسیر تخصصی بوده و برای مطالعه آن نیازمند آگاهی از علوم و فنون مختلف اسلامی هستیم. بنابراین مخاطب این تفاسیر تخصصی، تنها گروه ها و اشخاصی هستند که پیش زمینه های لازم را فراهم آورده اند. برای مثال مطالعه برخی تفاسیر ادبی قرآن کریم، نیازمند آگاهی گسترده از زبان و ادبیات عربی و علوم مرتبط با آنهاست. بعضی تفاسیر کلامی نیز با فرض آگاهی مخاطب از فرقه ها و نحله های کلامی نگاشته شده اند.

هم چنین تفاسیری که رویکرد فقهی یا عرفانی دارند، برای مخاطبان خاص این دانش ها مفیدند؛ درحالی که همه مسلمانان، اعم از متخصصان علوم اسلامی یا کسانی که فاقد تخصص در این زمینه هستند، نیازمند آشنایی با معارف قرآن کریم اند. از همین رو برخی مفسران، به ویژه در قرن اخیر کوشیده اند با گسترش دامنه مخاطبان خود، زمینه این آشنایی را فراهم آورند. انصاف این که آنان در این زمینه تلاش قابل توجهی انجام داده و به نظر می رسد توفیقات زیادی نیز کسب کرده اند. تفسیر حاضر، با این رویکرد نگاشته شده تا همه علاقه مندان به فهم قرآن

قرآن، رکوردساز حراجی های هنری دنیا

قرآنی تذهیب شده و مطلا متعلق به قرن ۱۵ میلادی رکوردساز سه حراج بزرگ بین المللی کریستیز، ساتبیز و بونامز لندن شد. در فصل بهار سه حراج هنرهای اسلامی در کریستیز، ساتبیز و بونامز لندن برگزار شد و با فروش بیش از ۲۷ میلیون پوند توانست رکورد قابل توجهی برای هنر اسلامی شامل خط، خوشنویسی، نسخ خطی، کتاب و دیگر آثار به جای بگذارد.

در ماه های آوریل و مه حراج های بین المللی روزهای شلوغی را پشت سر می گذارند و با برپایی حراج های مختلف با موضوعات متفاوت، علاقمندان به هنر را جذب این رویدادها می کنند.

چند روز گذشته سه حراج گذاری کریستیز، ساتبیز و بونامز در لندن طی سه شب حراج هنرهای اسلامی برگزار کردند که این رویدادها با فروش های قابل توجهی توانستند در زمینه هنرهای اسلامی رکوردهای قابل توجهی را از آن خود کنند.

از نکات قابل توجه در این سه حراج فروش خوب آثار خطی متعلق به هنر اسلامی و به ویژه هنر ایران بود که جایگاه هنر خوشنویسی ایران را در حراج های مختلف نشان می دهد. یکی از آثار ارزشمندی که در این زمینه به فروش رسید، قرآنی تذهیب شده و مطلا متعلق به قرن ۱۵ میلادی بود که در حراج کریستیز با رقم سه میلیون و ۷۲۴ هزار و ۷۵۰ پوند جایگاه هنر خوشنویسی اسلامی را به رخ جهانیان کشید.

*حراج بونامز

اولین حراج فصل بهار که ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت ماه) برگزار شد، حراج هنر اسلامی و هنر بونامز در لندن بود. در این حراج ۲۱۶ اثر شامل خط، نگارگری، تذهیب و اشیای عتیقه از هنر اسلامی و هند ارائه شده که در مجموع این حراج توانست به فروش يك میلیون و ۵۷۰ هزار پوندی دست پیدا کند. نکته قابل توجه در این حراج فروش خوب آثار خوشنویسی متعلق به ایران بود که می توان به قرآن كوچك تذهیب شده به سال ۱۲۰۴ ه.ق شامل ۲۵۷ برگ که به قیمت ۵۶۲ هزار و ۲۲ پوند رسید، اشاره کرد. قرآن كوچك تذهیب شده قرن ۱۹ میلادی شامل ۲۴۷ برگ که هفت هزار و

۵۶۲ پوند رقمی شد. خوشنویسی نستعلیق توسط خلیل خالد بیگ سفیر ترکیه در ایران در ۱۸۸۸ میلادی که به مبلغ هفت هزار و ۵۶۲ پوند فروخته شد. قرآن كوچك تذهیب شده به سال ۱۲۰۲ ه.ق در ۲۲۱ برگ به رقم پنج هزار و ۳۱۲ پوند رسید.

تقاضی با جوهر و خط نوشت ناصرالدین شاه در قرن ۱۹ میلادی که به مبلغ ۴ هزار و ۸۱۲ پوند چکش خورد. قرآن كوچك تذهیب شده قرن ۱۹ میلادی شامل ۲۳۹ برگ خوشنویسی که ۲ هزار و ۵۵۰ پوند رقمی شد و کتاب «تاریخ جهان تا پایان دوره شاه اسماعیل صفوی» نوشته غیاث الدین محمد مشهور به «خوان دمیرهری» شامل ۲۷۸ برگ که به قیمت دو هزار و ۵۵۰ پوند به فروش رسید از دیگر موارد این حراج بود.

*حراج ساتبیز

اما در روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) نیز حراج هنرهای اسلامی و هند ساتبیز با ارائه ۳۰۲ اثر خط، خوشنویسی، نگارگری، عتیقه و فرش در لندن برگزار شد که این حراج توانست به رکورد ۹ میلیون و ۹۱۴ هزار و ۶۲۵ پوندی دست پیدا کند. در این حراج نیز آثار خوشنویسی ایرانی توانستند به فروش قابل توجهی دست پیدا کنند.

قرآن بزرگ تذهیب شده عصر صفویه و قرن ۱۶ میلادی در این حراج ۹۳ هزار و ۷۵۰ پوند رقمی شد. کتاب یوسف و زلیخا جامی با امضا میرعلی، شامل ۱۵۱ برگ، متعلق به ۹۳۸ ه.ق. به قیمت ۸۱ هزار و ۲۵۰ پوند چکش خورد. يك قرآن تذهیب شده با جعبه لاکی متعلق به ۱۲۵۸ ه.ق، ۶۲ هزار و ۵۰۰ پوند رقمی شد.

همچنین کتاب كوچك یوسف و زلیخا جامی با امضا میرعلی شامل ۳۰۱ برگ متعلق به ۸۸۵ ه.ق. به قیمت ۴۷ هزار و ۵۰۰ پوند فروخته شد. در این حراج قرآن كوچك خوشنویسی شده سوره بقره شامل ۳۸ برگ برای اواخر قرن ۱۰ میلادی به مبلغ ۴۰ هزار پوند رقمی شد. دانشنامه پزشکی از خزانه داری خوارزمشاهی اثر زین الدین جرجانی شامل ۲۷۶ صفحه متعلق به قرن ۱۳ میلادی به ۳۲ هزار و ۵۰۰ پوند فروخته شد. قرآن كوچك ۸ ضلعی تذهیب شده شامل ۴۰۳ برگ عصر صفویه و قرن ۱۶ میلادی ۲۱ هزار و ۲۵۰ پوند رقمی شد. آلبومی از خوشنویسی شامل ۱۴ برگ متعلق به قرن ۱۶ میلادی به قیمت ۲۱

هزار و ۲۵۰ پوند چکش خورد.

کتاب «احیا علوم الدین» ابوحمید محمد بن محمد الغزالی شامل ۱۰۴ برگ متعلق به قرن ۱۳ میلادی ۱۸ هزار و ۷۵۰ پوند چکش خورد. منتخبی از قرآن خوشنویسی شده به خط کوفی از سوره هود شامل ۱۷ برگ متعلق به قرن ۱۲ میلادی ۱۲ هزار و ۵۰۰ پوند رقمی شد. نسخه خطی روضه الصفا، نوشته میر خواند هروی شامل ۱۲۳ برگ در دوره صفوی به قیمت ۱۲ هزار و ۵۰۰ پوند فروخته شد. قرآن تذهیب شده شامل ۲ هزار و ۲۷۴ برگ متعلق به قرن ۱۹ میلادی ۱۲ هزار و ۵۰۰ پوند رقمی شد. قرآن كوچك تذهیب شده توسط احمد نواب الدین الحسین شامل ۲۳۶ برگ متعلق به ۱۲۷۹ ه.ق. به قیمت ۱۱ هزار و ۲۵۰ پوند رقمی شد. قرآن تذهیب شده بر روی طومار پوست توسط خواجه ولد والی محمد محمد صادق دیرانی متعلق به ۱۲۵۱ ه.ق. به قیمت ۱۰ هزار پوند رقمی شد. کتاب دعا تذهیب شده، نوشته شده توسط احمد نیریزی شامل ۸ برگ متعلق به قرن ۱۸ میلادی ۱۰ هزار پوند چکش خورد. دیوان محمد قلی میرزا اثر خلیل سراوی شامل ۱۴۵ برگ متعلق به ۱۲۴۰ ه.ق. به قیمت ۷ هزار و ۵۰۰ پوند به فروش رسید. قرآن تذهیب شده توسط محمد تقی بن محمد هادی شامل ۲۲۳ برگ متعلق به ۱۱۷۷ ه.ق. ۵ هزار پوند رقمی شد. دیوان حافظ نوشته شده توسط محمد حسین بن سلیم از تبریز شامل ۲۷۴ برگ متعلق به ۱۲۹۳ ه.ق. به قیمت ۴ هزار و ۷۵۰ پوند چکش خورد. قرآن تذهیب شده كوچك نوشته شده توسط احمد نیریزی شامل ۲۵۶ برگ متعلق به ۱۱۱۹ ه.ق. ۳ هزار و ۷۵۰ پوند رقمی شد و فرمان محمد شاه قاجار به يك شاهزاده به خط او متعلق به ۱۲۵۶ ه.ق. به قیمت ۳ هزار و ۷۵۰ پوند به فروش رسید.

*حراج کریستیز

اما در حراج هنر جهان اسلام و هند حراج گذاری کریستیز که دوم ماه مه (۱۲ اردیبهشت ماه) در لندن برگزار شد ۱۷۹ اثر عرضه شد که به فروش کلی ۱۶ میلیون و سی و يك هزار و ۳۷۵ پوند دست یافت. در این حراج بی سابقه از هنرهای اسلامی؛ قرآنی تذهیب شده و مطلا متعلق به قرن ۱۵ میلادی سه میلیون و ۷۲۴ هزار و ۷۵۰

پوند رقمی شد و به رکوردی چشمگیر دست یافت. در این حراجی نیز آثار خوشنویسی ایرانی به فروش های قابل توجهی دست پیدا کردند.

شاهنامه ابوالقاسم فردوسی شامل ۵۰۴ برگ متعلق ۱۰۲۰ میلادی در این دوره حراج کریستیز به قیمت ۲۷ هزار و ۵۰۰ پوند فروش رفت. قرآن كوچك تذهیب شده شامل ۱۷۹ برگ متعلق به قرن ۱۵ میلادی ۱۷ هزار و ۵۰۰ پوند رقمی شد. قرآن تذهیب شده با امضا عبدا... بن عاشور اصفهانی شامل ۳۰۴ برگ، متعلق به ۱۲۳۳ میلادی ۱۱ هزار و ۸۷۵ پوند رقمی شد. کتاب کلیات سعدی امضا شده توسط سلیمان بن عبدا... هروی شامل ۲۶۷ برگ، متعلق به ۹۵۷ ه.ق. به قیمت ۱۰ هزار و ۶۲۵ پوند چکش خورد. يك برگ نگارگری و خوشنویسی از شاهنامه فردوسی متعلق به ۱۵۶۱ میلادی به قیمت ۹ هزار و ۳۷۵ پوند چکش خورد. قرآن تذهیب شده شامل ۲۶۵ برگ، متعلق به ۱۲۰۰ میلادی ۸ هزار و ۷۵۰ پوند رقمی شد. ۶ فرمان قاجاری به سال ۱۳۲۶ ه.ق. به قیمت ۶ هزار و ۲۵۰ پوند به فروش رسید. مجموعه ای از سخنان حضرت علی (ع) به امام حسین (ع) شامل ۱۲ برگ متعلق به قرن ۱۴ میلادی ۴ هزار و ۷۵۰ پوند رقمی شد و قاصید رودکی با امضا محمد رضا شیرازی شامل ۳۲ برگ متعلق به ۹۴۱ ه.ق. به قیمت يك هزار و ۲۵۰ پوند چکش خورد.

جالب اینجاست که هم زمان با رونق بازار بین المللی هنر اسلامی خط و خوشنویسی، سوم اسفند در تهران سومین حراج باران، حراج تخصصی خط، خوشنویسی و هنرهای ایرانی اسلامی در تهران برگزار شد که با رکورد یازده میلیارد و ۷۶۹ میلیون تومان همراه بود. نکته حائز اهمیت اینکه به مانند حراج های بین المللی در تهران هم يك جلد مصحف شریف که بر روی مس و با تکنیک حکاکی خط بزرگان با هنرمندی راین علی اکبرخان زاده پدید آمده هفت میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان رقمی شد تا رکورد فروش يك اثر در حراجی های هنری ایران شکسته شود.

مجبور بودیم چند صد کیلومتر سفر کنیم، اکنون با ابزارهای جدید به راحتی می توانیم از این تفاسیر بهره ببریم.

در کنار منابع بزرگان شیعه، از منابع بزرگان اهل سنت، از قدما تا به امروز، نیز استفاده کرده ام و تفاسیر مختلف با گرایش های مختلف آن ها را هم دیده ام و انصافا بسیاری از نکات دقیق را، همچنان که در آثار مفسران شیعه می توان دید، در آثار آن ها هم دیده ام.

«تفسیر شمس» توسط انتشارات «بوستان کتاب» مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ و توزیع شده است.

جدیدی نوشته شود و این سیر ادامه خواهد داشت و به طور طبیعی هرکس در خود توان ارائه فکر و فهم جدیدی از قرآن داشته باشد، حتماً وارد این فضا خواهد شد و این حرکت قطعاً ادامه خواهد داشت.

برای این تفسیر به منابع خیلی زیادی مراجعه و سعی کرده ام میراث پر بار مفسران گذشته به خوبی استفاده کنم. خوشبختانه طی ابزارهای جدید و فن آوری های نوین که طی دهه های اخیر در اختیار ما قرار گرفته است، کار پژوهش و دسترسی به تفاسیر در مقایسه با گذشته بسیار راحت تر شده است. اگر ما در گذشته برای دسترسی به یک تفسیر در کتابخانه ای در شهری خاص

ادامه از صفحه قبل

متناسب با هر عصر و دوره ای و متناسب با دانش مفسران، آثار بسیار زیادی پدید آمده است. فکر می کنم همان طور که پیام الهی تمامی ناپذیر است، تفسیر قرآن هم می تواند پایان ناپذیر باشد، یعنی این کتاب کتابی نیست که اگر یک تفسیر درباره آن نوشته شد، فکر کنیم جا را برای دیگران تنگ می کند، حتی گویا برخی مفسران بزرگ مانند علامه طباطبایی فرموده بودند که هر ۱۰ سال باید یک تفسیر جدید نوشته شود. فکر می کنم با این سیر شتابان دانش بشری حتماً نیاز هست که در یافته های خودمان درباره

قرآن کریم تجدید نظر کنیم، چون قرآن کلام الهی است، اما تفسیر کلام بشری است. به طور طبیعی قرآن کتابی مقدس است و تفسیر بالذات هیچ تقدسی ندارد؛ نباید فکر کنیم اگر گذشتگان ما تفسیری نوشتند، ما نباید نزدیک آن شده و مطالب آن را مورد نقد قرار بدهیم. نوشته های مفسران هر چقدر هم والا باشند، قابل بررسی و قابل انتقادند و در طول تاریخ هم این اتفاق افتاده و همین باعث می شود که سیر کاروان مفسران، همچنان ادامه داشته باشد و از آنجایی که تفسیر پاسخی است به پرسش های هر عصر و دوره ای، حتماً باید در هر عصر و دوره ای تفاسیر

ادامه از صفحه اول

یعنی اخوانی‌ها منطقه در عمل آلتی در دست قدرت‌هایک غربی و ارتجاعی منطقه مانند سعودی‌ها شدند؟

بلی متأسفانه در عمل چنین شد و برادران ما حاضر شدند که با ارتجاعی‌ترین محافل جاهلیت عربی معاصر همکاری کنند تا مثلاً «بشاراسد» ساقط شود ولی توضیح ندادند حاکمیت‌های عرب و بنی‌سعود و امارات و مصر چه مزیتی بر حاکمیت سوریه دارند که باید بمانند.

بی‌تردید حوادث منطقه اجرای توطئه غربی - عبری بود که با مقاومت مردم مسلمان با شکست مواجه شد، گرچه هزینه گزافی از لحاظ کشته شدن مردم بی‌گناه و ویرانی زیرساخت‌های کشورها و خانه‌ها و مزارع مردم پرداخته شد.

حکومت نیمه اخوانی ترکیه در این میان چه نقشی داشت؟

بحث درباره نقش ترکیه به ظاهر اخوانی آقای رجب اردوغان در حوادث منطقه با توجه به عملکرد آن در ایجاد کانال امن برای عبور تروریست‌های ۸۵ کشور جهان برای جنگ در عراق و سوریه، بسیار تلخ و دردناک است... و اصولاً معلوم نشد که آقای اردوغان چه کاره است که خواستار برکناری رئیس یک دولت دیگر می‌شود؟ و در این راستا «حمالة الحطب» می‌شود آیا این خواست، اجرای نقشه ارتجاع عرب بر امپریالیسم غربی و صهیونیسم نبود؟

ولی ترکیه به رهبران فراری اخوان، پناه داد و هم‌اکنون هم از آن‌ها پذیرایی می‌کند؟

بلی پناه دادن به بعضی از رهبران اخوان مصر و سوریه و عراق در کنار امکان دادن به تجهیز داعشی‌ها و اعزام نیروهای بین‌الملل تروریستی به مناطق جنگی، که راه عبوری جز ترکیه نداشتند. نمی‌تواند یک اقدام مثبت و قابل توجیه و پذیرش و جبران کننده باشد.

اقدامات حاکمیت ترکیه با گرایش اخوانی حزب «آک پارتی! سی» به همین وجه قابل قبول نبود... داعش حتی نفت دزدی شده از چاه‌های نفتی عراق را از طریق ترکیه به فروش می‌رساند تا اسلحه بخرد و آدم بکشد و قصابی کند و به زنان مسلمان به عنوان بردگان جنگی تجاوز کند، یا آن‌ها را در شیخ‌نشین‌های ارتجاعی خلیج فارس و یا عربستان بنی‌سعود، به فروش برساند.

در همین رابطه هم گویا فتوایی در تقبیح امر، از شیوخ وابسته به اخوان المسلمین، صادر نشد؟

بلی متأسفانه نه. شیخ یوسف القرضاوی به اصطلاح پدر معنوی اخوان - و رئیس جماعت بین‌المللی علمای اسلامی و نه مرشدان رنگارنگ و گوناگون اخوانی بلاد عربی که در اروپا و قطر و ترکیه پناه

گرفته‌اند، هیچ‌کدام واکنش اسلامی و یا حتی انسانی در این زمینه از خود نشان ندادند...

شرم آورترین اقدام داعش «جهاد نکاح»! بود که علاوه بر زنان مسلمان ایزدی، زنان و دختران مسلمان جهان را به عراق و سوریه دعوت کرد و آن‌ها از طریق ترکیه رهسپار مناطق شده و به جهاد نکاح!! مشغول شدند... یعنی تجویز عملی «زناي جمعی» که حتی در میان وحوش قبایل آمازون هم نمونه آن دیده نمی‌شود!

و البته نمی‌توان دولت کنونی ترکیه را دولت اخوانی نامید؟

چرا در کل حزب «آک پارتی سی» گرایش اخوانی دارد و پناه دادن به رهبران فراری اخوان بلاد عربی هم نشان می‌دهد که هوادار اندیشه اخوانی است ولی تردید نداریم که نه روش دولت ترکیه و نه سکوت مطلق رهبری اخوان در تقبیح این فجایع هرگز اسلامی و اخوانی نیست... اخوان شهید حسن البنا و شهید سید قطب و دیگر شهدای اخوانی در مصر، عراق، سوریه و... هرگز نمی‌تواند این فجایع و جنایات ضدبشری را بپذیرد و توجیه کند و از همه جنایات مهمتر، «جهاد نکاح» این وحوش را بپذیرد...

آیا می‌توان جریان اخوان المسلمین را در مقابل ناتوی عربی احتمالی قرار داد، یا ساختار این دو نسبت به هم خیلی متفاوت است؟ چرا که اگر ناتوی عربی شکل بگیرد یک سازمان امنیتی دفاعی است اما اخوان یک جریان فکری اسلامی سیاسی و اجتماعی است.

جریان اخوان المسلمین و فعالیت‌های آن در شرایط فشار و اختناق وحشیانه کنونی و در همه کشورهای عربی، نمی‌تواند در مقابل ناتوی عربی قرار گیرد. اخوان المسلمین که بیشتر در «مصر» ریشه و پایگاه دارد، هدفی برای شرکت در سازمان دهی امنیتی - دفاعی بلاد عربی ندارد، زیرا که در شرایط کنونی که اصولاً امکان فعالیت ندارد، خود را درگیر نقشه‌های دشمنان نمی‌کند.

پیشتر اخوان در مصر توانسته بود قدرت مرکزی را در اختیار بگیرد اما به دنبال یک سری تحولات همه معادلات بر هم ریخت و رهبران اخوان هم بازداشت شدند. در حال حاضر وضعیت اخوان در مصر به چه صورت است و آیا مثل گذشته فعالیت زیرزمینی دارند؟

اصولاً در اختیار گرفتن قدرت و حکومت در مصر، توسط اخوان المسلمین، یک اشتباه استراتژیک بود؛ زیرا که اولاً پس از انقلاب برضد رژیم حسنی مبارک و پیروزی مردم، اخوان آمادگی اداره حکومت را نداشتند و ثانیاً وضع اقتصادی ورشکسته مصر اجازه نمی‌داد که اخوان بتوانند راه چاره اساسی بر اصلاح امور اقتصادی داشته باشند و ثالثاً بلاد عربی و در طلیعه آنها، رژیم بنی‌سعود، آمادگی همکاری با مصر اخوانی را نداشتند

وضعیت کنونی اخوان المسلمین پس از کودتای خون بار در مصر

پس از سقوط ژنرال بن علی و فرار وی از تونس، من وقتی به راشد الغنوشی پیشنهاد کردم: با توجه به موقعیت خاص حرکت النهضة، در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند که بی‌تردید پیروز خواهد بود، گفت: «برادر عزیز! من پیر شده‌ام و اکنون دور، دور نسل جوان النهضة است که کارها را سر و سامان بدهند و در دولت و مجلس شرکت کنند و من به نوعی، بر امور نظارت خواهم داشت و اگر گرفتار تمامت خواهی بشویم و سازمان‌ها و احزاب دیگر را در امور دخالت و شرکت ندهیم، آغاز بروز اختلافات و سقوط و شکست اهداف انقلاب مردم خواهد بود که در نهایت هم به حذف حرکت النهضة منجر خواهد شد و این عقلانی نیست که ما به خاطر ریاست چند صباحی، از برنامه‌های درازمدت خود چشم‌پوشی کنیم...»

به هر حال روش رهبری حرکت النهضة، یک روش عقلانی بود و امیدواریم که بتواند از توطئه‌های دشمنان در امان باشد. البته سفر بن سلمان، حاکم جنایتکار رژیم بنی‌سعود، به تونس و وعده کمک میلیاردری به دولت کنونی و هواداران آن، نشان دهنده روش و آشکارا چگونگی نقشه‌های دشمنان به ویژه ارتجاع عرب، به ویژه بنی‌سعود، در نفوذ به تونس و خریدن حاکمیت کنونی تونس می‌تواند باشد. و البته عدم موضع‌گیری النهضة در قبال این سفر و عدم تقبیح جنایات بنی‌سعود در یمن و یا بلاد دیگر از نقاط ضعف النهضة است که برخی آن را نوعی اپورتونیسم و سازشکاری می‌نامند که فرقی با سیاست دیگر احزاب ندارد!...

در قطر و ترکیه وضعیت جریان فکری اخوان چگونه است و نگاه دولت‌های این کشورها به اخوان تحت تأثیر چه عوامل بیرونی قرار دارد؟

روش دولت قطر و ترکیه در قبال اخوان المسلمین و پناه دادن به بعضی از رهبران فراری آنها، امر قابل تأملی است و من فکر نمی‌کنم که اگر شرایط ایجاب کند، آنها این کمک و همکاری را ادامه دهند.

دولت ترکیه حرکت فرهنگی «هزمت» وابسته به شیخ فتح... گلن را به شدت سرکوب کرد و بسیاری از اعضاء وابسته به آن را دستگیر و دادگاهی نمود و همه موسسات و مدارس و نهادهای وابسته به آن را تعطیل و یا مصادره کرد و علیرغم «ارادت» قبلی آقای اردوغان به فتح... گلن و همکاری با آن، اکنون به دنبال بازداشت و محاکمه این پیرمرد است!

دولت قطر هم با کمک بی‌سابقه به حرکت‌های تکفیری - سلفی و حتی داعش!، نمی‌تواند برای حرکت‌های سالم اسلامی، به ویژه اخوان طرف‌مورد اعتمادی باشد...

اخوان المسلمین در سوریه پس از تقابل با اسد تقریباً به صورت کامل به حاشیه رانده شد. در حال حاضر وضعیت این جریان در سوریه فعلی چگونه است و آیا فعالیتی دارند؟

ادامه در صفحه بعد

و روی همین اصل، حکومت اخوان، بدون کمک و همکاری عربی - غربی از آغاز محکوم به شکست و سقوط بود. رابعاً و از همه مهمتر آنکه حکومت آقای محمد مرسی، همه ارکان نظام حسنی مبارک به ویژه ژنرال‌ها و سرهنگ‌های وابسته را بر سر کار نگه داشت و حتی ژنرال عبدالفتاح سیسی را هم به فرماندهی ارتش منصوب نمود...

... و پس از سرکوب وحشیانه مردم توسط رژیم کودتا، رهبران اخوان هم دستگیر و به زندان افتادند. گروهی از آنان محکوم به اعدام و حبس ابد شدند. بعضی‌ها موفق به فرار از کشور شدند و... دستگیری و توقیف بیش از سی هزار نفر از اعضای آن، عملاً امکان هرگونه فعالیت علنی یا زیرزمینی را از آنها سلب کرد و با توجه به فشار و اختناق ژنرال سیسی فرمانده جنایتکار کودتا، که نمونه‌ای از روش و سیاست سرکوب بیرحمانه سرهنگ عبدالناصر و سرهنگ انورسادات است، گروه باقیمانده فعالیت نمی‌تواند داشته باشند.

در حال حاضر رهبری فکری این جریان را چه کسی بر عهده دارد؟

تغییری در رهبری اخوان و اعضای مکتب ارشاد در مصر به عمل نیامده و آنها در حالی که در زندان دوره حبس ابد خود را می‌گذرانند، همچنان رهبر سازمان هستند و البته فاقد امکان هرگونه فعالیتی می‌باشند... و کسانی هم که در ترکیه یا بلاد اروپایی سکونت کرده‌اند، فقط به تشکیل سمینار و هم‌آیش! و یا صدور بیانیه اکتفا می‌کنند...

اگر بخواهیم به صورت مجزا وضعیت اخوان و حامیان آن را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار دهیم در حال حاضر در تونس راشد الغنوشی مدل متفاوتی از گرایش اخوان را دنبال می‌کند و قائل به مکتب ارشادی است. به نظر شما مدل اندیشه‌های اخوانی در تونس چه تفاوت‌هایی با گرایش‌های اولیه اخوان دارد؟

گرایش‌های اخوانی سازمان‌های اسلام‌گرا در بلاد عربی - اسلامی، حتی سودان، لیبی، مراکش و الجزایر، متأسفانه دچار همان فشارها و سرکوب‌ها هستند. البته هر کدام به نحوی - و فقط در تونس حرکت النهضة به رهبری راشد الغنوشی - با گرایش اخوانی، به علت عملکرد عاقلانه شیخ راشد و عدم پذیرش حتی مقام ریاست جمهوری ولی همکاری با دیگر احزاب و سازمان‌های موجود در تونس، در تشکیل دولت، توانسته است تاکنون از سرکوب به دور بماند ولی با این حال هم اکنون بعضی از سازمان‌های چپ در تونس - و البته با نقشه و توطئه ارتجاع عرب و بنی‌سعود - حرکت النهضة را به تشکیل یک «سازمان سری» و ترور بعضی از رهبران احزاب چپ، متهم ساخته‌اند که هدف نهایی، ایجاد مشکلات قانونی برای ادامه فعالیت حرکت النهضة است.

رهبران اخوان سوریه اغلب در ترکیه به سر می‌برند و در داخل سوریه، شاخه نظامی متلاشی شده آن، با توجه به برخورد مسلحانه و غیراسلامی در جریانات اخیر سوریه و حتی کشتار مردم عادی غیرنظامی هوادار رژیم، قاعدتاً در کوتاه مدت نمی‌تواند در سوریه فعالیتی داشته باشد... و این اشتباه اخوان المسلمین کنونی سوریه تکرار اشتباه آنان در دوران حافظ اسد و فعالیت مسلحانه و کشتار گروهی از نیروهای نظامی علویان بود که با قتل عام و سرکوب آنان در «حمه» خاتمه یافت. در این باره با قتل عام طرفین، هر دو سوری، باز خسارت جبران ناپذیری بر این حرکت در سوریه وارد شد.

حماس که برگرفته از اندیشه های اخوان است نیز شرایط خاصی دارد. از یک سو به رابطه با مصر و عربستان نیاز دارد و از دیگر سو نمی‌تواند روابطش با قطر و ترکیه را به دلیل حساسیت ریاض خیلی تعمیق بخشد. با این تفاسیر حماس چه الگویی را در روابطش دنبال می‌کند؟

حماس نیز با گرایش اخوانی، با توجه به شرایط سخت محاصره غزه از طرف رژیم صهیونیستی ضرورت رسیدگی به وضع معیشتی دو میلیون انسان ساکن در غزه، چاره ای ندارد جز اینکه با بعضی از دولت های عربی مانند مصر، روابطی داشته باشد و البته به علت موضع کلی ریاض و بنی سعود نسبت به حرکت اخوانی، حماس نیز از محرومیت های ناشی از روش بنی سعود، بی نصیب نیست ولی به طور مسالمت آمیزی می‌خواهد از امکانات ترکیه و قطر بهره مند شود که این امر ناشی از ضرورت های موجود

در «ارض معرکه» است... حماس به خاطر همین مشکلات نمی‌تواند به تعمیق روابط با ایران اسلامی بپردازد، در حالی که جمهوری اسلامی ایران، همواره به طور مستقیم یا توسط یاران و هواداران خود در منطقه، به کمک آنها می‌شتابد... و البته اخیراً رهبری حماس در سخنرانی های خود مواضع مناسبتری نسبت به ایران اسلامی ابراز داشته اند. و در واقع می‌توان گفت پشتیبان واقعی و بدون قید و شرط حماس و جهاد اسلامی و نیروهای مقاومتی دیگر در فلسطین اشغالی و غزه، فقط جمهوری اسلامی ایران.

با توجه به وضعیت فعلی اخوان می‌توان گفت که این جریان دوباره به مدل فعالیت های اولیه اش (زیرزمینی و نیمه مخفی) بازگشته یا وضعیت متفاوت از آن مقطع است؟

اخوان فعالیت زیرزمینی به مفهوم مصطلح آن نداشته و ندارد و همواره سعی کرده است که هر نوع فعالیتی را به طور رسمی، علنی و قانونی انجام دهد و در این میان البته بعضی از جوانان وابسته به آن در گذشته دور، مانند «ایمن الظواهری» و غیره، با دوری از رهبری اخوان و مکتب ارشاد، به فعالیت های زیرزمینی و یا مسلحانه در مصر و جاهای دیگر، پرداخته اند که مورد موافقت رهبری و مکتب ارشاد قرار نگرفته است.

با در نظر گرفتن این موضوع که تقریباً تفسیر واحدی از اندیشه های اخوان وجود ندارد و این جریان در هر کشوری شرایط خاص خود را دارد می‌توان گفت به نوعی این جریان فکری تا مدتی در حاشیه خواهد بود؟

با توجه به شرایط ایجاد شده در منطقه

عربی و ظهور و اقدام سلفی های تکفیری و ارتکاب جنایات و فجایع ضد بشری توسط آنان حتی در حق مردم عادی، در واقع جریان فکری اخوان، خواهی نخواهی مدت ها در حاشیه خواهد ماند... ولی تجربه یک قرن آن نشان می‌دهد که اخوان، علیرغم همه سرکوب ها و اعدام ها و زندان ها و تبعیدها، همواره به محض پیدایش شرایط مساعد، با تمام قوا به صحنه آمده اند که نمونه بارز آن حضور قدرتمند اخوان المسلمین مصر، علیرغم اعدام های ناجوانمردانه ای که در دوره دیکتاتوری سرهنگ ناصر در حق آنان انجام گرفت، با مرگ او، اخوان از زندان ها بیرون آمدند و در انتخابات مجلس شرکت نمودند و ده ها نماینده به مجلس مصر فرستادند که این امر در دوره سادات و سپس در دوره حسنی مبارک تکرار شد... ولی پس از کودتای ژنرال سیسی، ژنرال باقیمانده از دوران حسنی مبارک و قتل عام هزاران نفر از آنان در میدان التحریر قاهره و مسجد رابعه العدویه و مجروح شدن دوازده هزار نفر و دستگیری و زندانی شدن بیش از سی هزار نفر... نباید انتظار داشت که اخوان در کوتاه مدت در مصر یا بلاد دیگر بتوانند در صحنه حضور یابند و منشأ اثری باشند...

در حال حاضر نگاه کشورهای عربی و همچنین غرب به ویژه آمریکا به این جریان چگونه است؟

رهبران بلاد عربی، غربی، بدون استثناء حرکت اخوان المسلمین را، علیرغم همه نقاط مثبت و تاریخی، فرهنگی که در یک قرن اخیر، در بلاد عربی، اسلامی داشته اند، یک حرکت تروریستی نامیده اند و هرگونه امکان فعالیت را از آنان سلب نموده اند... ولی این روش سرانجام دچار سرنوشت حوادث مشابه

قبلی در همین بلاد خواهد شد... البته تحقق و آغاز آن به مرور زمان نیاز دارد!

و به طور کلی باید گفت که حرکت های اخوانی در بلاد عربی، اسلامی، از روش و رهبری واحدی بهره مند نبوده اند و در بعضی بلاد، شرکت در انتخابات پارلمانی را «حرام» می‌دانستند و در بعضی دیگر، مانند اردن و لبنان، در مجالس ملی حضور چشمگیری داشتند و اکنون با توجه به ضربه سختی که در همه بلاد خورده اند تا پیدایش شرایط مساعد برای فعالیت های مثبت، فاصله درازی خواهیم داشت... و به امید آنکه اشتباهات غیرقابل جبران رهبری اصلی، یعنی مرشد و مکتب ارشاد مصر، این بار تکرار نشود و جانشین احتمالی! آقای محمد مرسی، به جای نخستین سفر به «ریاض» و تقاضای کمک! و عدم دریافت حتی «یک دلار» و عدم ملاقات با رهبری نظام اسلامی ایران در سفر به ایران، به امید پذیرش در دربار بنی سعود، که عملاً مورد قبول آن ها شد، به جبهه مقاومت و ایران اسلامی بپیوند و به جای اعزام سفیر! به اسرائیل غاصب سفارت آن را در قاهره مانند ایران به فلسطینی ها و اگر دار نماید و باور کند که دشمن اصلی حرکت اخوان علاوه بر صهیونیست ها، ارتجاع عرب و در رأس آن بنی سعود است و دولت و برادر واقعی و همفکر آن ایران اسلامی است... البته اگر «بصیرت» پیدا کردند و اشتباهات گذشته را تکرار ننمودند.

رونمایی از کتاب «سردار سازندگی»

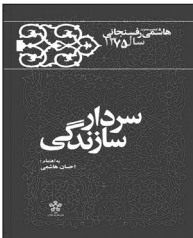
و زندگی در شأن خودشان داشته باشند و ایشان ضمن اینکه مخالفتی با استفاده از امکانات رفاهی توسط مردم نداشت، اما خودش در زندگی حد وسط را داشت.

محسن هاشمی درباره تدوین کتاب «سردار سازندگی» گفت: ما نام این کتاب را که مربوط به آخرین سال دولت سازندگی است، سردار سازندگی گذاشتیم. هرچند می‌توانستیم نام کتاب های خاطرات سال های گذشته ایشان را نیز به این نام بگذاریم. از آنجا که آیت... در زمان حیات موافق این نامگذاری نبود، تصمیم گرفتیم که کتاب خاطرات سال آخر دولت سازندگی را به این نام بگذاریم. ما معمولاً در زمستان سال قبل از چاپ کتاب های خاطرات، آن را نزد رهبر معظم انقلاب می‌بریم و سعی می‌کنیم تا اگر ایشان نظراتی دارند در کتاب اعمال کنیم که تا به حال نظراتی ارائه نکردند و این خود نشان دهنده آن است که آیت... هاشمی مطالب را با دقت نوشته اند.

وی در پایان سخنانش گفت: «ما هنوز ۲۰ دفتر دست نوشته دیگر از ایشان برای انتشار داریم و همه آنها را به لوح فشرده منتقل کردیم تا در صورت آسیب دیدگی دست نوشته ها بتوان از آن لوح ها استفاده کرد.» همچنین در پایان مراسم، از مولف کتاب «فراتر از شکوفایی» تقدیر به عمل آمد.

اواخر سال ۷۵ به میدان فضای سیاسی آمدند و حتی از بعضی تربیون ها نظیر نماز جمعه، مطبوعات، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی یا بعضاً از شورای نگهبان مطالبی را در جهت تضعیف دولت سازندگی بیان کردند و حتی تجمعات غیرقانونی را شکل دادند و بدون اینکه مجوزی گرفته باشند اقداماتی را برای تضعیف مدیران اجرایی کشور انجام دادند. همچنین از برخی تربیون های رسمی، غیرمنصفانه خدمات دولت سازندگی به مناطق محروم و پروژه های عمرانی آن بی‌مهری کردند. این عامل باعث شد تا این احساس به وجود آید که اختلاف نظری میان آیت... هاشمی و آیت... خامنه‌ای به وجود آمده و رسانه های بیگانه نیز با سوءاستفاده از این وضعیت، موضوع را بزرگنمایی کردند.

هاشمی ادامه داد: آیت... هاشمی عدالت واقعی را از نظر اسلام، در توزیع ثروت و نه توزیع فقر می‌دید و لازمه این توزیع ثروت را در رونق اقتصادی می‌دید و برای این بود که شأن و منزلتی برای انسان قائل بود و تلاش می‌کرد تا همه بتوانند از نعمت های الهی به خوبی بهره‌مند شده



احساس در من پدید می‌آمد که ایشان در تلاشند تا کشور را بسازند. آرزوی دیرینشان این بود که ما کشوری آباد و آزاد و با رفاهی واقعی برای مردم داشته باشیم.

هاشمی افزود: یکی از مهم ترین ارکان موفقیت دولت سازندگی در همان زمان، هماهنگی و تفاهم با آیت... خامنه‌ای به عنوان رهبر معظم انقلاب بود و آن رفاقت دیرینی که میان ایشان در طول مبارزه در رژیم ستم شاهی ایجاد شده بود، باعث شد تا این دو با همفکری بسیار زیاد در کنار هم قرار گیرند و در مسیر بالندگی انقلاب و دوران سازندگی در کنار هم حرکت کنند. من یادم است که آیت... هاشمی علاقه و اعتماد زائدالوصف خود به آیت... خامنه‌ای را همیشه بروز می‌داد و اوایل سال ۷۶ بود که جمله معروف آیت... خامنه‌ای بازگو شد که هیچکس برای من هاشمی نمی‌شود.

هاشمی بیان کرد: «این همکاری و اعتماد دیرینه در بسیاری از مسائل کمک کرد که همه چیز در دوران سازندگی خوب پیش رود و کارها با موفقیت انجام شود. ولی بعضاً دیده می‌شد که عده‌ای به عنوان سخنگو یا شارح مواضع رهبری در

تالار قلم سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، میزبان رونمایی شانزدهمین مجلد از روزنوشته های آیت... اکبر هاشمی رفسنجانی با نام «سردار سازندگی» بود. کتاب «سردار سازندگی» که شامل یادداشت ها و خاطرات هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۷۵ به اهتمام احسان هاشمی برای نشر آماده شده و نشر معارف انقلاب همزمان با سی و دومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به بازار نشر عرضه شده است.

محسن هاشمی در سخنانی ضمن بیان دیدگاه های خود درباره پدرش، از روند آماده سازی و انتشار خاطرات آیت... هاشمی رفسنجانی گفت: «دردی ماه ۱۳۹۷ مشغول بازبینی نهایی کتاب خاطرات ۱۳۷۵ آیت... برای چاپ بودم و به قصد نوشتن مقدمه، کتاب را ورق می‌زد. آنچه در این بازبینی بار دیگر بر من اثبات شد این بود که واقعاً آیت... هاشمی یک بزرگمرد و مراد بود و من مریدی عاشق برای ایشان بودم.»

هاشمی افزود: «با توجه به اینکه آیت... هاشمی در دوران جوانیش در زندان به سر می‌برد و در دوران پیروزی انقلاب نیز من برای تحصیل در خارج کشور بودم، به ایشان از دور نگاه می‌کردم و همیشه این

اصلاحات حوزه از نگاه استاد شهید مطهری

حوزه‌های علمیه «طرح و ایده اصلاحی خود را در باره حوزه علمیه در دو بخش وظایف اصلی و وظایف فعلی تدوین کرده است. ایشان در مقاله دیگری، با نگاهی ساختاری، تحول ساختاری حوزه‌ها را مورد توجه قرار داده است.

احیای علوم، احیای روابط علمی-فرهنگی، روزآمد شدن شیوه‌های یادگیری، تغییرات آموزشی در راستای پاسخگویی به نیازهای جدید، آشنایی با علوم انسانی، تخصصی شدن رشته‌های حوزوی و توجه به کارکرد و وظایف فرهنگی - تمدنی حوزه‌های علمیه از جمله سرفصل‌های طرح اصلاحی شهید مطهری برای تحول در حوزه هاست.

بامرور بر آثار آن شهید والا مقام بخش‌هایی از طرح اصلاحی شهید مطهری در باره حوزه را می‌توان به این شرح ارائه داد:

۱. احیای همه علمی که هم‌اکنون جزو علوم اسلامی محسوب می‌شود از تفسیر، حدیث، درایه، رجال، فقه، اصول، ادبیات، تاریخ اسلام، تاریخ ملت‌های مسلمان، کلام اسلامی، فلسفه اسلامی، عرفان اسلامی، اخلاق اسلامی و منطق اسلامی، با توجه به سیر تحولی و تاریخی آن‌ها و مشخص کردن نقش شخصیت‌هایی که در پیشبرد این علوم موثر بوده‌اند.

۲. حفظ و نگهداری و نگهداری از موارث فرهنگی اسلامی، از طریق فهرست کردن و گردآوردن در حد امکان.

۳. برقراری رابطه علمی با همه مراکز علمی اسلامی.

۴. تقویت و ترویج زبان عربی در حد مکالمه کامل.

۵. آشنایی هر فرد لااقل با یک زبان خارجی در حد استفاده از کتاب‌ها و سخنرانی‌ها.

۶. تسلط بر ادبیات فارسی در جنبه‌های ارتباط با فرهنگ اسلامی و شناختن زبان فارسی به عنوان زبان دوم اسلامی.

۷. آشنایی با علوم انسانی جدید.

۸. اطلاع بر فلسفه اخلاق، تعلیم و تعلم مکاتب اخلاقی گوناگون قدیم و جدید و مقایسه با اخلاق اسلامی، در حد اجتهاد و تخصص.

۹. اطلاع بر فلسفه تاریخ و تعلیم مکاتب مختلف این فلسفه و روشن کردن فلسفه تاریخ از نظر قرآن، در حد اجتهاد و تخصص.

۱۰. اطلاع بر مکاتب و سیستم‌های اقتصادی جهان و تعلیم و تعلم آن مکاتب و روشن کردن اصول اقتصاد اسلامی، در حد تخصص و اجتهاد.

۱۱. شناخت ماهیت تمدن و فرهنگ اسلامی توأم با مقایسه با همه تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر و روشن کردن اصالت آن و ممتازات آن و معرفی روح این فرهنگ.

۱۲. تاریخ ادیان در حد آشنایی و بیگانه نبودن و احیاناً در حد تخصص و اجتهاد.

۱۳. تعلیم مکتب‌های رایج الحادی معاصر به صورت بسیار دقیق از قبیل مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم، نیپیلیسم و غیره و نقد آن‌ها با موازین اسلامی.

۱۴. تعلیم مکاتب حقوقی قدیم و معاصر و مقایسه با حقوق اسلامی به عنوان حقوق تطبیقی.

ادامه در صفحه بعد

سوالاتی که مطرح می‌شود آن است که در دیدگاه اصلاحی شهید مطهری، چه کاستی‌هایی در حوزه روحانیت، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشت که آن اندیشمند مصلح به دنبال اصلاح و رفع آن‌ها بود؟ در پاسخ می‌توان گفت: کاستی‌های حوزه در آن برهه، از منظر شهید مطهری به دو دسته کاستی‌های برنامه‌ای و نواقص سازمانی و ساختاری تقسیم می‌شد.

شهید مطهری در نوشتاری که بیانگر هم‌اندیشی و اقدام عملی ایشان در امر اصلاح و تحول حوزه است، تصویری کلی از کاستی‌های حوزه را، این چنین ترسیم می‌کند: «در حدود سیزده سال پیش شبی در قم در یک محفل دوستانه مرکب از گروهی از اساتید و فضلا، که این جانب نیز افتخار حضور در آن جلسه را داشت، سخن از مشکلات و نواقص سازمان روحانیت به میان آمد. سخن در این بود که چرا در گذشته حوزه‌های علمی و روحانی ما از لحاظ رشته‌های مختلف علوم از تفسیر و تاریخ و حدیث و فقه و اصول و فلسفه و کلام و ادبیات و حتی طب و ریاضی، جامع و متنوع بود و در دوره‌های اخیر تدریجاً به محدودیت گراییده است و به اصطلاح در گذشته به صورت جامع و دانشگاه بود و اخیراً به صورت کلیه و دانشکده فقه درآمده و سایر رشته‌ها از رسمیت افتاده است؟...» (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۴، ص ۴۸۵). آن شهید بزرگوار، در همین زمینه، می‌افزاید: «رشته‌های تحصیلی علوم دینیه اخیراً بسیار به محدودیت گراییده و همه رشته‌ها در فقاقت هضم شده و خود رشته فقه هم در مجرای افتاده که از صد سال پیش به این طرف از تکامل باز ایستاده است.» (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۴، ص ۴۹۱). پس در نگاه اصلاحی استاد شهید مطهری قلمرو اصلاح دو حوزه اساسی جامعیت علوم دینی و جامعیت و روزآمد شدن فقه در حوزه‌ها را در بر می‌گیرد. بدین معنا که اولاً باید عظمت و جامعیت قبلی علوم حوزوی در زمینه علوم پایه، علوم تجربی و علوم انسانی تحت عنوانینی چون «تفسیر و تاریخ و حدیث و فقه و اصول و فلسفه و کلام و ادبیات و حتی طب و ریاضی» به حوزه‌ها برگردد و حوزه منحصر در فقاقت نباشد؛ ثانیاً فقه نیز دامنه خود را به تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی با ابعاد گسترده خود بگستراند و پویایی خود را باز باید به گونه‌ای که بتواند پاسخ‌گویی تمام نیازهای زمانه خود باشد. خوشبختانه، بسیاری از این کاستی‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی برطرف شده و با حمایت و پشتیبانی امام خمینی، رهبر معظم انقلاب اسلامی، مراجع عظام تقلید و اساتید و فضلاء گرانقدر حوزوی تحولات بسیاری در حوزه‌های علمیه اتفاق افتاده یا در شرف انجام است به گونه‌ای که حوزه امروز با حوزه‌های قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست اما این معنای پایان یافتن و دست یابی به هدف‌های مورد نظر نیست و همچنان باید به این راه ادامه داد.

طرح اصلاحی شهید مطهری

شهید مطهری در مقاله «وظایف

مستقل خودمان را ارائه نکنیم، حتی با این که رژیم را ساقط کردیم و حتی با این فرض که استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی را به دست آوریم، اگر به استقلال فرهنگی دست نیابیم، شکست خواهیم خورد و نخواهیم توانست انقلاب را به ثمر برسانیم.» (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۶۴).

رسالت حوزه‌های علمیه

با روشن شدن ضرورت اصلاح و تحول در حوزه‌های علمیه به ویژه با تاسیس نظام دینی در کشور، این سوال مطرح می‌شود که سمت و سوی تحول چگونه باید باشد و در چه بخشی باید تحول انجام شود؟ برای پاسخ به این سوال، باید ابتدا وظایف و مسئولیت‌های حوزه‌های علمیه را مورد توجه قرارداد. شهید مطهری در مقاله «وظایف حوزه‌های علمیه»، مرزبانی و پاسخگویی به نیازهای دینی مردم را دو وظیفه روحانیت و حوزه‌های علمیه می‌شمارد و در این باره اظهار می‌دارد: «حوزه‌های علمیه و محیط‌های روحانی ما مسئول پاسداری ایمان جامعه اسلامی و دفاع از اصول و فروع دین مقدس اسلام از دیدگاه مذهب شیعه و تعلیم و تبلیغ آن‌ها و عهده‌دار پاسخگویی به نیازهای مذهبی مردم مسلمان‌اند.» (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۴، ص ۲۸۰). روشن است که این وظیفه سنگین در هر دوره و شرایط و اقتضائات خاص خود را دارد و واقعیت این است که در زمانه ما نهاد روحانیت سازوکار پاسخ‌گویی دقیق و کامل در زمینه برخی از مسائل را ندارد و نیاز به اصلاح اساسی دارد. البته این گونه اصلاحات در حوزه و روحانیت به معنای حذف کلی روحانیت و یا بخشی از آن نیست بلکه مراد اصلاح و بازسازی آن برای کارآمدتر شدن است. بسیاری از اصلاح گران، از لزوم و ضرورت تحول در حوزه سخن گفته‌اند اما آن چه صف اصلاح گران دلسوز و واقع‌نگر را از دیگران متمایز می‌کند، سمت و سوی نگرش اصلاحی آن هاست. شهید مطهری علاوه بر این که فرزند حوزه است و در دامن این نظام پرورش یافته، از جنس اصلاح گرانی است که با اعتقاد عمیق به جایگاه و کارکرد حوزه‌های علمیه، از اصلاح و نه حذف و یا جایگزینی سخن می‌گوید: «همین روحانیت را باید اصلاح کرد نه این که این را محو کنیم یک چیز دیگر به جایش بنشانیم، و نه این که این را به همین وضعی که هست ثابت نگه داریم.» (همان، ص ۲۷۲)

مرور بر آثار و نیز رفتار شهید مطهری نشان می‌دهد که به اصلاح در چارچوب حفظ اصول و توجه به رسالت حوزه‌ها معتقد است و در این باره می‌کوشد ضمن حفظ اصالت‌های حوزه و روحانیت، اصلاحات را نیز از درون آن رقم بزند. ایشان در این باره می‌نویسد: «هرگونه تجدید نظر و تحول در برنامه‌های حوزه‌های علمیه باید براساس همان فرهنگ غنی و قدیم اسلامی و ادامه همان راه و تسریع در حرکت آن و آفت زدایی از آن بوده باشد.» (همان، ص ۲۸۱).

قلمرو اصلاح

هر طرح و ایده اصلاحی برخاسته از شناسایی کارکردهای اصلی و نیز آسیب شناسی وضع موجود است. بر این اساس،

اشاره: استاد شهید آیت‌الله... مطهری از جمله اندیشمندان مصلح و احیایگری است که دامنه اصلاح‌گری وی افزون بر معارف دینی، خاستگاه معارف و مرکز تولید فکر دینی یعنی حوزه‌های علمیه و روحانیت را نیز در بر می‌گرفت و در زمانی که برخی افراد با تبلیغات زهرآگین رژیم پهلوی مبنی بر ناکارآمد نشان دادن حوزه‌های علمیه، از اصلاح آن ناامید شده بودند، دست به روشنگری و اندیشه ورزی برای اصلاح حوزه زد و هرگز هم از آن مایوس نبوده است. دغدغه‌مندی شهید مطهری نسبت به تحول در حوزه‌های علمیه، در آثار و مقالات متعدد وی بازتاب یافته است اما اوج آن مقاله‌ای است که در سال ۱۳۴۰ پس از رحلت آیت‌الله... العظمی بروجردی، به همراه جمعی از اندیشمندان حوزوی همچون مرحوم علامه طباطبایی و آیت‌الله... طالقانی، شهید بهشتی و دیگران تحت عنوان «بحثی در مرجعیت و روحانیت» منتشر کرد. پیش از پرداخت دیدگاه شهید مطهری درباره اصلاح حوزه‌های علمیه، اشاره به دو نکته مقدماتی در نگاه ایشان ضروری می‌نماید: ۱- ضرورت تحول در حوزه ۲- رسالت و وظایف حوزه‌های علمیه از منظر شهید مطهری.

ضرورت تحول در حوزه

تحول در یک نظام آموزشی و انطباق با ضرورت‌ها و نیازهای زمانه برای همیشه لازم است اما زمانی که یک مکتب دست به تشکیل حکومت و اداره جامعه می‌زند، این ضرورت دو چندان می‌شود. شهید مطهری با درک درست این نیاز در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی»، حوزه را ضامن استمرار انقلاب اسلامی می‌شمارد و در این باره می‌نویسد: «روحانین باید در وضع خودشان تجدید نظر کنند چون آینده انقلاب هم-اگر بخواهد آن شاء... پیروزتر ماند و به نتایج نهایی برسد- باز باید روی دوش روحانیت و روحانین باشد.» (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۴ ص ۲۷۲). به همین دلیل، وی بر پرچمداری روحانیت در انقلاب اسلامی تأکید می‌کند و دست یابی به آرمان‌های انقلاب اسلامی را در گرو تحول در روحانیت می‌داند و می‌گوید: «در آینده، این انقلاب نیاز زیادی به روحانیت دارد به شرط آن که روحانیت وظایف خودش را در آینده انقلاب خوب درک کند. کارش را باید ده برابر کند، تحقیق علمی‌اش را باید ده برابر کند، تبلیغش را باید ده برابر کند. رابطه‌اش را با مردم، در جمع مردم آمدن، به میان مردم رفتن، درد مردم را از نزدیک لمس کردن و احساس کردن، این‌ها را باید چندین برابر کند.» (همان، ص ۲۶۶).

براین اساس، اهتمام آن شهید نسبت به اصلاح و تحول حوزه، ناشی از این بود که اولاً: تداوم حضور اندیشه اسلامی و روزآمدی آن را موهون احیا و اصلاح حوزه می‌دانست و ثانیاً: استمرار انقلاب اسلامی را در استقلال فرهنگی می‌دید که وظیفه ذاتی روحانیت به شمار می‌رود. وی معتقد بود که: «اگر مکتب

امارات که انتظار شرکت این رهبر مسیحیان کاتولیک در آن می‌رود، مطرح کند.

سارا لیا ویتسون، مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در دیده‌بان حقوق بشر در این بیانیه مطبوعاتی اظهار کرد: دولت امارات به‌رغم تأکیدش در خصوص مدارا، هیچ علاقه واقعی به بهبود سوابق حقوق بشری خود نشان نداده است، اما امارات نشان داده چقدر برای وجهه‌اش در صحنه جهانی حساسیت به خرج می‌دهد و پاپ فرانسیس باید از فرصت سفر استفاده کرده تا رهبران امارات را برای احترام به وظایف حقوق بشری خود در داخل و خارج تحت فشار قرار دهد.

پاپ در سفر به عربستان سعودی به کشوری می‌رود که ۲ میلیون مهاجر که کشورهای‌شان را ترک کرده‌اند، در آنجا کار و زندگی می‌کنند و به‌رغم سانسور شدید، گزارش‌های متعددی از اعمال تبعیض و نابرابری و رفتار خشونت‌بار و تحقیر این افراد از سوی کارفرمایان سعودی به گوش می‌رسد. گذشته از پرونده یمن و سوریه و مسیحیان مهاجر مواضع «محمدین سلمان» و سرکوبگری‌های او سبب افزایش شدید میزان مهاجرت و پناهندگی اتباع عربستان سعودی شده است.

الحشد الشعبی؛ از میدان نبرد تا خدمات‌رسانی به مردم

افزون بر این مسائل، تشکیلات مهندسی و لجستیک الحشد نیز در نجات ۲۴ روستا از خطر سیل در استانهای «میسان، بصره و واسط» و حومه‌های آن، نجات چندین سازه نفتی مهم در این استانها، خاموش کردن آتش در دهها مزرعه در استانهای نینوا، کرکوک، صلاح الدین، دیاله، نجف و سایر استانها، نقش مهمی ایفا کرده است.

این آمار و ارقام ارائه دهنده تصویر الحشد در مرحله پس‌داعش است. این آمارها ثابت می‌کند که اگر مأموریت الحشد در زمینه نظامی به پایان رسیده، ولی به اقتضای شرایط، رسالتش همچنان به قوت خود باقی است. گوهر این رسالت نیز صیانت از کرامت، عزت، استقلال و حاکمیت عراق و حفظ مقدسات آن و تلاش برای بازسازی این کشور است.

بازگرداندن آوارگان، نجات مردم از سیل، خاموش کردن آتش‌سوزی، حفظ منابع راهبردی عراق، تأمین امنیت نهادهای حکومتی و عتبات عالیات و زوار آن و ارائه خدمات ضروری به بسیاری از شهرها و روستاهای محروم، همگی نمود عملی این پیام مقدس الحشد است.

العهد در ادامه می‌نویسد، بر هیچ کس پوشیده نیست که سه عامل باعث شد، الحشد این نقش مهم و کارآمد را ایفا کند و به این دستاوردها و پیروهای دست یابد: نخست؛ فتوای مرجعیت. دوم؛ حمایت جمهوری اسلامی ایران. سوم حمایت مردمی گسترده از سوی اقشار مختلف عراق، صرف نظر از مذهب، قومیت یا منطقه.

توجیه نیست. او به روزنامه امریکایی «نشنال کاتولیک ریپورتر» گفت: وقتی امارات همچنان در جنایات انسانی یمن شرکت دارد، دیدار پاپ از امارات گزینه مناسبی نیست. اگر او مسئله یمن را در دیدارش مطرح نکند، بخش زیادی از اعتبارش را در خاورمیانه از دست خواهد داد.

یکی از کشیشان سازمان کاتولیک حامی صلح «پاکس کریستی» نیز بارها از آمادگی کرد که پاپ بتواند «رهبری امارات را به یافتن سیاست دیگری در خصوص یمن متقاعد کند.»

بر اساس گزارش مأموریت «اپن دورز» که بر آزار و اذیت مسیحیان نظارت دارد، مهاجران مسیحی فقط امارات می‌توانند به طور شخصی عبادت کنند، اما دولت به آنان اجازه عبادت علنی را نمی‌دهد. دیده‌بان حقوق بشر نامه‌ای برای پاپ فرانسیس رهبر مسیحیان کاتولیک جهان نوشته و در این نامه نگرانی‌هایش را نسبت به تبعات مشارکت امارات متحده عربی در عملیات‌های نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان در یمن و همچنین درباره مسئله حملات مداوم دولت امارات به آزادی بیان و آزادی‌های دیگر تشریح کرد. دیده‌بان حقوق بشر از پاپ فرانسیس خواست این مسائل را در جریان اجلاس موسوم به نشست بین‌المذاهب با موضوع برادری انسانی در

جهانی «صلح، برادری و احترام متقابل را به نیابت از میلیاردها پیرو دین خود در سراسر جهان» امضا خواهند کرد.

به گزارش روزنامه گاردین، پاپ فرانسیس پیش از سفر خود در ویدئویی اظهار کرد، امارات به دنبال تبدیل شدن به «الگوی همزیستی، برادری و رویارویی تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف» است.

او با اشاره به اینکه «همه ما با وجود تفاوت‌های مان برادران و خواهران یکدیگر هستیم» گفت، به دنبال آن است که «برگ جدیدی در تاریخ روابط ادیان رقم بزند.» امارات سال ۲۰۱۹ را «سال انعطاف‌پذیری» نامیده است تا بنا به ادعای خود میانه‌روی را رواج دهد، اما تغذیه ده‌ها گروه سلفی در سوریه و تجاوزکاری در یمن نشان از پوششی بودن چنین ژست‌هایی است که آل نهیان بنا به توصیه اتاق‌های عملیات روانی امریکایی-صهیونیستی برای سفیدنامی از پرونده سیاه حقوق بشری‌اش انجام می‌دهد.

انتقادات از فرانسیس

فرانسیس به دلیل نقش امارات در جنگ یمن به عنوان بخشی از ائتلاف عربستان علیه حوثی‌ها، برای این دیدار دو روزه با انتقاداتی روبه‌رو است.

امیل نخله، مقام سابق سازمان سیا می‌گوید، دیدار پاپ از امارات در حالی که ابوظبی در جنگ یمن شرکت دارد، قابل

ظاهراً از این پس به جای کودکان، قاتلان کودکان را غسل تعمید می‌دهند! پاپ فرانسیس سفر به امارات و عربستان را آغاز کرد، آن هم در حالی که ده‌ها هزار کودک یمنی بر اثر بمباران‌های سعودی و امارات و بی‌سابقه‌ترین قحطی تاریخ به کام مرگ رفته‌اند. پاپ، اما قاتلان کودکان را محکوم نکرد بلکه امارات را «الگوی همزیستی، برادری و رویارویی تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف» نامید. عجب! اماراتی که بر سر فرهنگ خودی یمنی بمب می‌ریزد و فرهنگ خودی قطری را به محاصره در آورده است و با فرهنگ‌های اسلامی دیگر سرستیز دارد و فقط سرسپرده فرهنگ غربی است، برای رهبر کاتولیک‌های جهان، الگوی همزیستی و برادری شده است! سفر پاپ به امارات و سعودی بی شک پروژه سعودی‌ها برای پاک کردن سیاهی جنایات‌شان در یمن و رسوایی حمایت از داعش در سوریه و عراق است و شاید هدف دیگر آنان خروج از باتلاق یمن با تمکین به امر پاپ برای «استمرار آتش‌بس در یمن» باشد، اما این آش آن قدر شور است که حتی مقام سابق سیا هم گفته «وقتی امارات همچنان در جنایات انسانی یمن شرکت دارد، دیدار پاپ از این کشور گزینه مناسبی نیست و بخش زیادی از اعتبار پاپ را در خاورمیانه از بین می‌برد.»

سفر رهبر واتیکان در پی دعوت محمد بن زاید آل نهیان، ولیعهد ابوظبی اتفاق می‌افتد که از او خواسته بود از امارات دیدار کرده و در نشست بین‌المللی ادیان که به عنوان بخشی از برنامه امارات برای سال «تحمل» (انعطاف‌پذیری) برگزار می‌شود، شرکت کند. پاپ پس از ورود به ابوظبی، با ولیعهد این کشور گفت‌وگو و در نشست ادیان سخنرانی کرد. او همچنین مراسم عشای ربانی را در یک استادیوم ورزشی برگزار و با احمد الطیب، شیخ الازهر سنگ بنای تأسیس یک مسجد و کلیسای تازه را بنا نهاد. این دو رهبر دینی همچنین توافق

ادامه از صفحه قبل

۱۵. فلسفه تطبیقی براساس تعلیم زنده‌ترین مکاتب فلسفی معاصر و مقایسه با فلسفه اسلامی.
۱۶. رشته‌ای و تخصصی شدن علوم اسلامی.
۱۷. بازگشت علمی چون ریاضی، طب، هیات و نجوم به صورت روزآمد به نهاد روحانیت.

هرچند عمده ایده‌های اصلاحی شهید مطهری در باره حوزه‌های علمیه در فضای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه طرح شده است و امروزه پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در هر یک از این عرصه‌ها به وجود آمده است اما با وجود گذشت چهار دهه از تأسیس نظام و ایجاد تحولات اساسی در حوزه‌های علمیه، دیدگاه‌های اصلاحی شهید مطهری همچنان می‌تواند در راستای تحکیم یا بازنگری این تحولات مورد استفاده قرار گیرد و نیازهای بسیاری همچنان بر زمین مانده است که منتظر تحول در حوزه و روحانیت می‌باشد.

رسا: سازمان «الحشد الشعبی» عراق در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۴ (خرداد ۱۳۹۳) با فتوای آیت الله سیستانی مرجع عالی قدر شیعیان عراق شکل گرفت؛ سازمانی که از گروه‌های مختلف عراقی از جمله تشیع، اهل تسنن و مسیحیت تشکیل شد.

این سازمان که هدف از تشکیل آن، مبارزه با گروه تروریستی داعش بود، توانست در نهم دسامبر ۲۰۱۷ آذر ۱۳۹۶ عناصر این گروه را شکست دهد. اما طی شش ماه گذشته، عراق شاهد چهره دیگری از این سازمان بوده است. پایگاه خبری «العهد» لبنان به تشکیل این سازمان و نحوه فعالیت کنونی آن در عراق پرداخت و نوشت، اگر واژه جهاد، در دوران جنگ با داعش، در صدر گفتمان الحشد قرار داشت، طی شش ماه اخیر، واژه‌هایی مانند «نجات، سازندگی و خدمات» در کنار واژه جهاد قرار گرفته تا تکمیل کننده مرحله پس‌جنگ باشد.

به گزارش العهد، شاید در خصوص حوادث اخیر عراق مانند سیل‌هایی که در آوریل گذشته رخ داد، یا جلوگیری از آسیب رسیدن به سازه‌های اقتصادی و نفتی مهم، مقابله با آتش‌سوزی در شمال مرکز و جنوب این کشور، آمار و ارقام، گویایی واقعیت نقش مهم و کلیدی الحشد در دفع و مقابله با این حوادث باشد. پیش از این رخدادها نیز در عملیات نجات هزاران خانواده از دست داعش یا بازگرداندن دهها هزار نفر از آوارگان عراقی به منازل خود، نیروهای الحشد حضور داشتند. الحشد الشعبی در مرحله نبرد با داعش،

در آزادسازی دهها شهر و منطقه عراق از دست این گروه تروریستی مشارکت داشت؛ از جمله آزادسازی «جرف النصر، بیجی، سامراء، نکریت، الفلوجه، الرمادی، الموصل، العظیم، عزیز بلد، تلعفر، امری، سنجار، سبع البور، عرب جبور، الضابطیه، ابو غریب و حمیرین» و دهها منطقه دیگر.

اقدامات الحشد به روایت آمار و ارقام
العهد آمار زیر را از اقدامات الحشد منتشر کرد:

مشارکت در بازگرداندن ۱۸۷ هزار و ۹۹۶ آواره از مجموع ۲۵۸ هزار و ۴۱۳ آواره به استان دیاله در سال ۲۰۱۵.

مشارکت در بازگرداندن ۶۸۲ هزار و ۵۸۳ آواره از مجموع ۷۲۵ هزار و ۹۸۸ آواره به استان صلاح الدین در سال ۲۰۱۵.

مشارکت در بازگرداندن ۹۲۸ هزار و ۶۲۶ آواره از مجموع یک میلیون و ۴۸۵ هزار و ۳۴۱ نفر به استان الانبار در سال ۲۰۱۶.

مشارکت در امداد رسانی به ۲۲ هزار و ۸۹ غیر نظامی در جریان آزادسازی «فلوجه» (شش هزار و ۲۴۴ مرد، شش هزار و ۸۵۱ زن و هشت هزار و ۹۹۴ کودک).

مشارکت در بازگرداندن ۹۲ هزار و ۸۵۰ آواره از مجموع دو میلیون و ۹۸۹ هزار و ۳۴۱ نفر به نینوی در سال ۲۰۱۷.

مشارکت در خدمات‌رسانی پزشکی به ۲۱ هزار و ۷۴۵ آواره در نینوی و انتقال ۱۴۰ هزار

مشارکت در بازگرداندن ۵۲۲ هزار آواره عراقی از سوریه به عراق.

و درباره شروع مبارزات با حضرت امام نیز بیان می‌کند: «از سال ۴۲، که نهضت امام خمینی شروع شد، وارد مسائل سیاسی شدم. ارتباط ما با مرکزیت نهضت از طریق شهید آیت... سعیدی بود، که شوهر خواهر بنده است. مرحوم سعیدی رابط بین امام و علمای مشهد بود؛ ولی چون علمای مشهد آقای سعیدی را خوب نمی‌شناختند، ایشان هر وقت کاری یا پیامی داشت، به مشهد می‌آمد و به اتفاق من خدمت علما می‌رفتیم. این همکاری در اسناد محرمانه ساواک، چاپ شده، آمده است.

از جمله کارهایی که آن زمان بنده در مشهد انجام دادم، جمع‌آوری تاییدیه مرجعیت حضرت امام از علما بود. چون بعد از موضع‌گیری شدید امام در برابر رژیم شاه، دادگاه علیه امام تشکیل پرونده داده بود؛ برای مصونیت ایشان به اثبات مرجعیت ایشان نیاز بود. در شهرستانهای مختلف علما به تایید امام برخاستند؛ از جمله در مشهد مقدس که در انجام این مهم من هم شرکت داشتم. تاییدیه‌ها را جمع‌آوری کردم و به تهران فرستادم و بحمد... کار بسیار خوب و موافقی بود که آن زمان انجام گرفت و مانع بسیاری از توطئه‌های رژیم شاه علیه امام خمینی شد و امام همچنان ثابت و استوار در راهی که انتخاب کرده بود، ایستاد و نسل جوان و پرشور حوزه هم با تمام توان از ایشان پشتیبانی کرد. مرحوم سعیدی می‌فرمود: یک وقتی به آقای خمینی عرض کردم: آقا، بسیاری از علما کنار رفته‌اند، شما تنها می‌مانید. فرمود: آقای سعیدی، اگر همه علما کنار بیایند و من تک بمانم، دست از مبارزه بر نمی‌دارم. در سال ۴۹ که آیت... سعیدی به شهادت رسید، برای ادامه راه آن عزیز و خالی نماندن مسجد و پایگاه ایشان از مشهد به تهران آمدم. در منزل ایشان ساکن شدم. و در مسجد ایشان به اقامه نماز و دیگر فعالیت‌های دینی و سیاسی پرداختم که تا الان هم ادامه دارد».

فعالیت پس از انقلاب اسلامی

مرحوم طباطبایی پس از انقلاب اسلامی نیز هرجا که لازم بود وارد میدان شده به حمایت از انقلاب اسلامی و امام خمینی پرداخت از جمله در دوره سوم مجلس شورای اسلامی، با رای مردم به عنوان نماینده حوزه انتخابیه «مشهد مقدس» و در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، با رای مردم به عنوان نماینده حوزه انتخابیه «تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر» انتخاب گردید. وی در دوره هفتم در «کمیسیون قضایی و حقوقی» مجلس و نیز گروه‌های دوستی «ایران و بلغارستان»، «ایران و صربستان»، «ایران و مونتنگرو» و «ایران و یمن» عضویت داشت. ولی شهرت اصلی آن فقید عزیز به عنوان «استاد اخلاق» و «خدمتگزار مخلص مردم» بیش از فعالیت سیاسی

بود. ایشان در مناسبت‌های گوناگون، در مراسم مذهبی و نیز برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به بیان احادیث و بحث‌های اخلاقی می‌پرداخت و محبوبیت زیادی در بین مخاطبان داشت. از جمله بارزترین خدمات اجتماعی ایشان «اصلاح ذات البین» و «دستگیری از فقر» بود و بسیاری افراد و زوجها که با اختلاف مواجه بودند به دفتر وی مراجعه می‌کردند و او با صحبت و نصیحت، مشکل آنان را حل می‌کرد چنان که گرسنگان زیادی را سیر و برهنگان فراوانی را پوشاند. دستگیری و رسیدگی به امور نیازمندان منطقه غیائی و ۱۷ شهروان از جمله فعالیت‌های مهم مرحوم طباطبایی در این زمینه بود و از آنجا که تقریباً وکالت همه مراجع عظام تقلید را در تهران بر عهده داشتند در جمع‌آوری اخماس، زکوات و دیگر وجوهات شرعی و استفاده آنها در حل مشلات مستمندان کوشا بود. اقامه نمازهای جماعت پنج گانه و پرجمعیت در مسجد موسی بن جعفر (ع) در خیابان غیائی و برگزاری مجالس بسیار معظم در ایام و مناسبت‌های مذهبی، گوشه‌ای دیگر از خدمات ایشان بود که یکی از بزرگترین علمای اخلاقی منطقه شرق و مرکز تهران محسوب می‌شد.

میانه‌روی و اعتدال

این استاد اخلاق از فردای انقلاب اسلامی و تا پایان عمر همواره به عنوان روحانی میانه رو و معتدل و مصلح شناخته می‌شد که مورد وثوق اکثر گروه‌ها و جریانات سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران بودند. در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ که فضایی سیاسی کشور تحولات گسترده‌ای را به خود می‌دید ایشان مواضع صریح‌تری به نسبت اوضاع سیاسی و فضای بد اخلاقی حاکم بر جامعه را عنوان می‌داشت. از جمله این که مرحوم طباطبایی به عنوان یکی از نزدیکان آیت... هاشمی رفسنجانی نیز شناخته می‌شد و در دوره‌ای که ایشان ناجوانمردانه مورد آماج تهمت‌ها قرار گرفت، جانانه از ایشان دفاع کرد. از جمله ایشان در شب درگذشت آیت... هاشمی با حضور در تلویزیون اظهار داشت: «من آیت... هاشمی را شهید می‌دانم، چون به دنبال حق بود... تا خبر درگذشت آیت... هاشمی را شنیدم بی‌اختیار لرزه بر بدنم افتاد، گریه کردم، و فکر نمی‌کردم بتوانم اینجا صحبت کنم... آخوندی بود که پیش امام عزیزترین بود... من مطلع هستم و بی‌خود حرف نمی‌زنم... از هر کاری که احتمال می‌داد برای انقلاب ضرر دارد خودداری می‌کرد... فحش می‌شنید، توهین می‌دید... بد توهین‌هایی به او کردند... اما او صبر داشت و می‌گفت نظام نباید لطمه بخورد... صداوسیما می‌ها گله می‌کنند چرا بیننده تلویزیون کم شده و چرا مردم ماهواره می‌بینند. من وظیفه دارم بگویم الان اگر از هاشمی تجلیل نکنید بیننده‌تان کم می‌شود... افراد پخته و

فهییم و باکمال و دلسوز جامعه توقع دارند صداوسیما در خصوص درگذشت آیت... هاشمی مایه بگذارد... وقتی پیام رهبری را خواندم دلم برای آقای هاشمی و رهبری سوخت. الهی هیچکس مشاور دین دار و دلسوز خود را از دست ندهد. در ادامه پیام رهبری به اختلاف نظرهای آقای هاشمی با ایشان اشاره شده بود، همین امر نشان می‌دهد که هاشمی دقیقاً نظرات خود را می‌گفت اما مقید بود که در نهایت حرف رهبری را اجرا کند. ایشان به فکر انقلاب و نظام بود. خناس‌ها می‌خواستند ایشان را از رهبر دور کنند اما موفق نشدند زیرا علاقه این دو بدان حد بود که هیچ فرد یا گروهی نتوانستند در آن شبهه ایجاد کنند... به خداوندی خدا آنقدر هاشمی را دوست دارم که نمی‌توانم آرام بگیرم. به خودم فشار آوردم که گریه نکنم اما (گریه‌های بی‌امان سیدمهدی طباطبایی)... خدا نخواست ایشان بستری شود و ایشان قشنگ با حال خوب به مهمانی خدا رفت... برای من نقل کردند که با خوشی از همکارانش خدا حافظی کرده است... همه پولش را به رفقای داد و کمک کرد و به هر کسی که محبت کرد، بیشتر صدمه دید... چقدر با ایشان بدی کردند، حداقل از خدا بترسید... خیلی عادت به عفو داشت... برخی حمله به هاشمی را برای خود موفقیت می‌دیدند... هاشمی می‌گفت در حرم پیامبر دعا کرده بود «دوستانی که نادانسته یا عمدآ به من جسارت کردند و فکر کردند به نظام خدمت می‌کنند، خدایا نه تنها پیام‌رسان بلکه توفیق خدمت به آنها بده»... مخالفان نسبت‌های ناروایی می‌دادند، خدا اینها را ببخشد... ای عزیزان، ایشان زنده نیست که دیگر ببخشد و خدا هم دیگر نمی‌بخشد... ای بدگویان، دیگر ایشان نیست که شما را عفو کند و دیگر عفو نخواهید دید، امیدوارم به عقل بیایید... من آیت... هاشمی را شهید می‌دانم، شهید حتماً نباید با شمشیر کشته شود، کسی در که در طلب حق باشد، شهید است... ایشان را به اندازه چهار شهید می‌دانم... وقتی نماز جمعه آقای هاشمی را متوقف کردند، نماز جمعه تعطیل شد. آقایان چکار می‌کنند؟ وقتی نشود مردم از نماز جمعه بهره بگیرند یعنی نماز جمعه تعطیل است. چرا نماز جمعه اینقدر خلوت است؟ این چرا را باید آقایان جواب دهند... آقای هاشمی بهترین و قوی‌ترین کسی بود که حفظ نظام می‌کرد».

این استاد اخلاق که به دلیل عفونت

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
نشانی: قم / خیابان شهدا (مغانیه) / نبش ممتاز
تلفن: ۳۷۷۴۱۴۳۳ صندوق پستی: ۱۳۶

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir
استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بحث

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز
بررسی‌های اسلامی به نشانی:

www.iscq.ir

در دسترس می‌باشد

شدید ریوی چندین بار در سال ۱۳۹۶ در بیمارستان‌های تهران بستری بود، سرانجام در ظهر پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ مصادف با نخستین روز ماه رمضان در سن ۸۲ سالگی درگذشت.

خاطرات استاد سیدمهدی طباطبایی

کتاب «خاطرات حجت‌الاسلام سیدمهدی طباطبایی» کمتر از هشت ماه پس از درگذشت وی، از سوی موسسه فرهنگی، هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی روانه بازار نشر شد. این مجموعه که حاصل ۱۵ جلسه گفتگو با مرحوم حجت‌الاسلام طباطبایی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی است، در هشت فصل فراهم آمده است؛ فصل اول به معرفی پیشینه خانوادگی و تحصیلات اولیه اختصاص دارد.

فصل دوم، نحوه آشنایی حجت‌الاسلام طباطبایی با جریان‌های سیاسی-مذهبی را به تصویر می‌کشد. فصل سوم شروع مبارزات مذهبی سیاسی را تا اوج‌گیری مبارزات انقلابی در مشهد روایت می‌کند.

فصل چهارم به بازخوانی وقایع کشور در دوران تبعید امام خمینی می‌پردازد. فصل پنجم به روایت خاطراتی درباره شهید نهضت اسلامی آیت... سعیدی اختصاص دارد

و فصل ششم خاطرات دوران زندان حجت‌الاسلام طباطبایی را دربرمی‌گیرد. فصل هفتم با عنوان «در آستانه پیروزی انقلاب» مربوط به خاطرات حجت‌الاسلام طباطبایی از اوج‌گیری مبارزات و وقایع منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی است.

فصل هشتم و پایانی هم به فعالیت‌های حجت‌الاسلام سید مهدی طباطبایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص داده شده است.

کتابخانه عمومی مرکز بررسی‌های اسلامی

نشانی: قم، پردیسان، بلوار دانشگاه، انتهای بلوار سلمان فارسی
خیابان شهید مخلص، خیابان دوم، تلفن: ۳۲۸۰۷۵۵۶ - ۰۲۵

جستجو در کتابخانه مرکز بررسی‌های اسلامی:

<http://lib.ir/library/578/iscq/search>